



وزارت علوم تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات عربی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته سی عربی کرایش زبان و ادبیات عربی

مرگ و زندگی در دیدگاه شاعران عصر جاهلی

آراء شعراء العصر الجاهلي في الموت و الحياة

استاد راهنما:

دکتر قیس آل قیس

استاد مشاور:

دکتر سید حمید طیبیان

پژوهشگر:

فهیمة سیفی

اسفند 1390



سپاس و قدردانی

حمد و سپاس او را سزد که جمال بی‌مثالش را در آینه‌ی آفرینش جلوه داد. ستایش شایسته اوست که بر عالمیان منت نهاد و جگرهای تفتیده و چشمان عطش چشیده را با زلال رحمت محمدی (ص) سیراب گردانید و درخت امامت را در شوره‌زار زندگی بارور کرد و عندلیب دل شیعیان را غزل‌خوان بوستان آنان ساخت.

و به رسم " من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق " نهایت احترام ، امتنان و سپاس قلبی خود را تقدیم می‌نمایم به :

- استاد راهنمای پایان‌نامه و مدیر محترم گروه زبان و ادبیات عرب جناب آقای دکتر قیس آل قیس که در طول مرحله تحصیل چون پدری مهربان مرا از ارشادات خویش بهره‌مند نمودند.

- استاد مشاور پایان‌نامه، استاد فرهیخته و بزرگوار جناب آقای دکتر سید حمید طبیبیان که با راهنمایی‌های عالمانه و دقیق و رأفت پدرانه خویش مرا در این مهم یاری رساندند.

- استاد داور پایان‌نامه، جناب آقای دکتر فیض‌الله‌زاده که زحمت داوری این پایان‌نامه را تقبل نمودند.

- خانواده عزیزم، به ویژه وجود پر مهر و عاطفه‌ی پدر و مادرم که دعا‌های خالصانه‌شان چون چراغی فروزان، راه علم و معرفت را بر من گشود.

- همسر مهربانم که با حمایت‌های همه‌جانبه خود، مرا در انجام این پایان‌نامه همراهی و یاری نمود.

- و تمامی دوستانی که از ارائه هرگونه کمکی به بنده‌ی حقیر دریغ ننمودند.

تقدیم به

● آنکه با آمدنش نور و روشنایی را جایگزین جهل و ظلمت نموده و مهر و محبت را به سینه دوستداران خالق عشق هدیه می‌نماید.

● و به شهیدان عاشقی که با هدیه خونشان به ایشان ، تمامی تلاش خود را برای هموار نمودن زمینه ظهور مولایشان در طبق اخلاص نهادند.

چکیده

در این رساله برآنیم که به بررسی دیدگاه شاعران جاهلی درباره‌ی مرگ و زندگی بپردازیم. در فصل اول مطالبی درباره‌ی شعر جاهلی، روایت و منابع شناخت آن، منزلت و جایگاه شعر و شاعر در عصر جاهلی، ارزش شعر جاهلی و ... آمده است. از آن جهت که مرگ و زندگی از اصطلاحات عرفانی محسوب می‌گردد، در فصل دوم تعریفی از آنها از دیدگاه عرفاء و متصوفین ذکر شده است. فصل سوم به مفهوم مرگ و زندگی در شعر جاهلی می‌پردازد. فصل پایانی نیز به بررسی و شرح مختصر ابیات مربوط به مرگ و زندگی در شعر عصر جاهلی اختصاص یافته است.

از آنجا که شعر جاهلی دامنه وسیعی دارد، در این رساله، دیوان اصحاب معلقات و کتاب "مفضلیات" و "أصمعیات" به عنوان منابع اصلی کار در نظر گرفته شده است.

روندی که این رساله طی کرده است، خواننده را متوجه این نکته می‌سازد که شاعران عصر جاهلی به مرگ به عنوان یک حقیقت گریزناپذیر می‌نگرند و اکثر آنها مرگ با عزت در میدان جنگ را بر زندگی ترجیح می‌دهند. برخی زندگی و لذات آن را سایه‌ای گذرا می‌دانند و در این میان می‌کوشند تا توشه‌ای برای خویش ببندوزند. از جمله این اشخاص زهیر بن أبی سلمی می‌باشد. و گروهی از جمله طرفة بن العبد، سعی دارند فرصت‌ها را غنیمت شمارند و از لذت‌های زندگی پیش از آن که از دست روند، بهره‌مند شوند.

واژگان کلیدی

مرگ ، زندگی ، شاعران جاهلی ، فرهنگ و تمدن عصر جاهلی ، اعتقادات عصر جاهلی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

پیشگفتار أ

فصل اول (شعر جاهلی)

- 1.1: شعر جاهلی 2
- 2.1: روایت شعر عربی 3
- 3.1: منابع شناخت شعر عربی 4
- 1.3.1: اولین مجموعه، «معلقات» 5
- 2.3.1: دومین مجموعه، «مفضلیات» 5
- 3.3.1: سومین مجموعه، «أصمعیات» 6
- 4.3.1: چهارمین مجموعه، «جمهرة أشعار العرب» 6
- 4.1: درستی و صحت اشعار 10
- 5.1: شکل و محتوای شعر جاهلی 10
- 1.5.1: شکل شعر جاهلی 10
- 2.5.1: محتوای شعر جاهلی 11
- 6.1: نقش شاعر 13
- 7.1: ارزیابی شعر جاهلی 13

8.1:	ارزش شعر جاهلی	14
1.8.1:	ارزش هنری شعر جاهلی	16
2.8.1:	ارزش تاریخی شعر جاهلی	18
9.1:	مقام و منزلت شاعر جاهلی	18
10.1:	اقسام شعر جاهلی	18

فصل دوم (تعریف مرگ و زندگی)

1.2:	تعریف مرگ	20
2.2:	تعریف زندگی	22

فصل سوم (مفهوم مرگ و زندگی در شعر جاهلی)

1.3:	مفهوم مرگ و زندگی در شعر جاهلی	27
1.1.3:	مرگ	27
2.1.3:	زندگی	30

فصل چهارم (زندگینامه، بررسی و شرح ابیات شاعران)

1.4:	اصحاب معلقات	35
1.1.4:	امرؤ القیس	35
1.1.1.4:	زندگینامه	35
2.1.1.4:	آثار	35
3.1.1.4:	شخصیت شاعر در شعرش	36
4.1.1.4:	فنون شعری	37
5.1.1.4:	امرؤ القیس شاعری جاودانه	37
6.1.1.4:	اشعار امرؤ القیس	39

39.....	1.6.1.1.4: مرگ
45.....	2.6.1.1.4: زندگی
47.....	8.1.1.4: نتیجه گیری
48.....	2.1.4: طرفه بن العبد
48.....	1.2.1.4: زندگینامه
48.....	2.2.1.4: آثار
49.....	3.2.1.4: فلسفه و روش زندگی شاعر
50.....	5.2.1.4: هنر شاعری
52.....	6.2.1.4: اشعار طرفه بن العبد
52.....	1.6.2.1.4: مرگ
59.....	1.4..2.6.2: زندگی
62.....	7.2.1.4: نتیجه گیری
63.....	3.1.4: زهیر بن ابی سلمی
63.....	1.3.1.4: زندگینامه
63.....	2.3.1.4: آثار
64.....	3.3.1.4: شخصیت شعری زهیر
64.....	4.3.1.4: جوانب مختلف شعر زهیر
66.....	5.3.1.4: اشعار زهیر بن ابی سلمی
66.....	1.5.3.1.4: مرگ
72.....	2.5.3.1.4: زندگی
75.....	6.3.1.4: نتیجه گیری
76.....	4.1.4: لبید بن ربیع
76.....	1.4.1.4: زندگینامه
76.....	2.4.1.4: آثار
76.....	3.4.1.4: سبک شاعر

78.....	4.4.1.4: اشعار لبید بن ربیعہ
78.....	1.4.4.1.4: مرگ
81.....	2.4.4.1.4: زندگی
81.....	5.4.1.4: نتیجه گیری
82.....	5.1.4: عمرو بن کلثوم
82.....	1.5.1.4: زندگینامہ
82.....	2.5.1.4: آثار
84.....	3.5.1.4: اشعار عمرو بن کلثوم
84.....	1.3.5.1.4: مرگ
85.....	4.5.1.4: نتیجه گیری
86.....	6.1.4: عنترہ بن شداد
86.....	1.6.1.4: زندگینامہ
86.....	2.6.1.4: آثار
87.....	3.6.1.4: عنترہ شاعری یگانہ
87.....	4.6.1.4: عنترہ شاعر حماسہ
89.....	6.6.1.4: اشعار عنترہ بن شداد
89.....	1.6.6.1.4: مرگ
111.....	2.6.6.1.4: زندگی
118.....	7.6.1.4: نتیجه گیری
119.....	7.1.4: حارث بن حلزہ
119.....	1.7.1.4: زندگینامہ
119.....	2.7.1.4: آثار
121.....	3.7.1.4: اشعار حارث بن حلزہ
121.....	1.3.7.1.4: مرگ
122.....	2.3.7.1.4: زندگی

123.....	نتیجه گیری: 4.7.1.4
124.....	اعشی الاکبر: 8.1.4
124	زندگی نامه: 1.8.1.4
124.....	آثار: 2.8.1.4
125.....	شعر اعشی: 3.8.1.4
126.....	قدرت شاعری و هنر: 4.8.1.4
127.....	اشعار اعشی: 5.8.1.4
127.....	مرگ: 1.5.8.1.4
132.....	نتیجه گیری: 6.8.1.4
133.....	نابغه ذبیانی: 9.1.4
133.....	زندگی نامه: 1.9.1.4
134.....	آثار: 2.9.1.4
134.....	مدایح: 3.9.1.4
135.....	نابغه و اعتذار: 4.9.1.4
135.....	شعر سیاسی نابغه: 5.9.1.4
136.....	نابغه شاعر وصف و قصه: 6.9.1.4
136.....	جنبه های فنی: 7.9.1.4
137.....	تأثیر نابغه: 8.9.1.4
138.....	اشعار نابغه ذبیانی: 9.9.1.4
138.....	مرگ: 1.9.9.1.4
140.....	زندگی: 2.9.9.1.4
141.....	نتیجه گیری: 10.9.1.4
142.....	عبید بن الأبرص: 10.1.4
142.....	زندگی نامه: 1.10.1.4
142.....	آثار: 2.10.1.4

144.....	3.10.1.4: اشعار عیید
144.....	1.3.10.1.4: مرگ
152.....	2.3.10.1.4: زندگی
153.....	4.10.1.4: نتیجه گیری
154.....	2.4: مفضلیات
154.....	1.2.4: أسود بن یعفر
154.....	1.1.2.4: زندگینامه
154.....	2.1.2.4: اشعار أسود بن یعفر
155.....	2.2.4: متمم بن نویره
155.....	1.2.2.4: زندگینامه
155.....	2.2.2.4: اشعار متمم بن نویره
158.....	3.2.4: عبده بن طیب
158.....	1.3.2.4: زندگینامه
159.....	2.3.2.4: اشعار عبده
160.....	4.2.4: أبو ذؤیب
160.....	1.4.2.4: زندگینامه
161.....	2.4.2.4: اشعار أبو ذؤیب
162.....	5.2.4: مقّاس
162.....	1.5.2.4: زندگینامه
162.....	2.5.2.4: اشعار مقّاس
163.....	6.2.4: ثعلبه بن عمرو عبدی
163.....	1.6.2.4: زندگینامه
163.....	2.6.2.4: اشعار ثعلبه
165.....	7.2.4: ممزق عبدی
165.....	1.7.2.4: زندگینامه

165.....	2.7.2.4: اشعار ممزق.
166.....	8.2.4: بشامه بن غدیر.
166.....	1.8.2.4: زندگینامه.
166.....	2.8.2.4: اشعار بشامه.
167.....	9.2.4: مخبل سعدی.
167.....	1.9.2.4: زندگینامه.
167.....	2.9.2.4: اشعار مخبل.
169.....	10.2.4: علقمه فحل.
169.....	1.10.2.4: زندگینامه.
169.....	2.10.2.4: اشعار علقمه.
170.....	11.2.4: جابر بن حنی.
170.....	1.11.2.4: زندگینامه.
170.....	2.11.2.4: اشعار جابر.
171.....	12.2.4: مرقرش اکبر.
171.....	1.12.2.4: زندگینامه.
172.....	2.12.2.4: اشعار مرقرش.
173.....	13.2.4: حصین بن حمام.
173.....	1.13.2.4: زندگینامه.
174.....	2.13.2.4: اشعار حصین.
175	14.2.4: أفنون تغلبی.
175.....	1.14.2.4: زندگینامه.
176.....	2.14.2.4: اشعار أفنون.
177.....	15.2.4: نتیجه گیری.
178.....	3.4: أصمعیات.
178.....	1.3.4: عدی بن رعلاء.

178.....	1.1.3.4: زندگینامه
178.....	2.1.3.4: اشعار عدی
179.....	2.3.4: سهم بن حنظله
179.....	1.2.3.4: زندگینامه
179.....	2.2.3.4: اشعار سهم
180.....	3.3.4: خفاف بن ندبه
180.....	1.3.3.4: زندگینامه
180.....	2.3.3.4: اشعار خفاف
181.....	4.3.4: درید بن صمه
181.....	1.4.3.4: زندگینامه
182.....	2.4.3.4: اشعار درید
183.....	5.3.4: عروه بن ورد
183.....	1.5.3.4: زندگینامه
184.....	2.5.3.4: اشعار عروه
186.....	6.3.4: سُعدی بنت شمردل
186.....	1.6.3.4: زندگینامه
186.....	2.6.3.4: اشعار سُعدی
189.....	7.3.4: ابو دؤاد ایادی
189.....	1.7.3.4: زندگینامه
190.....	2.7.3.4: اشعار ابودؤاد
191.....	8.3.4: صخر بن عمرو
191.....	1.8.3.4: زندگینامه
192.....	2.8.3.4: اشعار صخر بن عمرو
193.....	9.3.4: نتیجه گیری
194.....	نتیجه گیری نهایی

فهرست مطالب

197.....	ملخص الأطروحة باللغة العربية
197.....	ملخص المقال
198.....	خاتمة البحث
200.....	منابع و مآخذ
200.....	المصادر العربية
202.....	منابع فارسی
203.....	Abstract

پیشگفتار

این رساله با عنوان " مرگ و زندگی در دیدگاه شاعران عصر جاهلی " پژوهشی است برای بیان دیدگاه‌های شاعران آن دوره درباره‌ی مرگ و زندگی و برداشتی که آنان از این پدیده داشته‌اند. بدیهی است توجه به مرگ و زندگی و عاقبت هستی، اندیشه‌ای فلسفی، دینی یا حداقل اسطوره‌ای در پی خواهد داشت. پرسش در اینجا است که در دوران جاهلی این تفکر و یا برخورد با این دو رویداد چگونه بوده است و با چه کیفیتی در شعر شاعران آن زمان جلوه‌گر شده است و بازتاب آن در زندگی اجتماعی آن مردم تا چه اندازه نمایان گردیده است.

از آن روی این پژوهش درباره‌ی این موضوع انتخاب شده است که شعر هر دوره‌ای تجلیگاه افکار و عواطف مردم آن روزگار است و از آن جا که مرگ و زندگی همواره دغدغه‌ی بشر بوده است، ضرورت دارد در دوره‌ای که فقر علمی و فرهنگی رایج بوده است، به بررسی اندیشه مرگ و زندگی بپردازیم. از این راه می‌توانیم به حل پاره‌ای از مشکلات مفاهیم شعری شاعران آن روزگار دست یابیم و با رسیدن به افکار و اندیشه‌های آنان در شناخت جامعه بدوی آن روزگار، گامی در راه جامعه شناسی و مردم‌شناسی عرب جاهلی برداریم.

قلمرو مکانی این پژوهش، جزیره العرب؛ قلمرو زمانی آن، عصر جاهلی و قلمرو موضوعی آن، بررسی مرگ و زندگی از دیدگاه شاعران آن دوره می‌باشد.

سؤال‌هایی که در آغاز این پژوهش، ذهن نگارنده را به خود مشغول ساخت، عبارتند از:

- آیا مرگ و زندگی در شعر دوره جاهلی به عنوان پدیده‌ای غیر اختیاری مطرح شده است؟
- آیا شاعران دوره جاهلی به زندگی به عنوان موهبتی نگاه کرده‌اند و مرگ را سرنوشتی محتوم تلقی نموده‌اند؟
- آیا بررسی در موضوع مرگ و زندگی در شعر جاهلی با آیین‌های ویژه آن دوره و اعتقادات و سنن آنان می‌تواند در حل برخی مشکلات و درک مفاهیم شعری آن دوره راه‌گشا باشد؟

این پژوهش، به نوعی پژوهشی جدید می‌باشد، چرا که تا به حال کاری که به صورت مبسوط و مفصل به هر دو جنبه مرگ و زندگی در اشعار جاهلی پرداخته باشد، صورت نگرفته است.

روش انجام پژوهش، تحلیلی-انتقادی است. زیرا هدف این رساله، بررسی و تحلیل دیدگاه شاعران دوره جاهلی درباره‌ی مرگ و زندگی می‌باشد. به این منظور روش کتابخانه‌ای (فیش‌برداری) برای گردآوری اطلاعات در نظر گرفته شد و با بهره‌گیری از منابع و مآخذ مورد نیاز، فصل‌های زیر برای رساله‌ی حاضر در نظر گرفته شد:

فصل اول: در این فصل با عنوان "شعر جاهلی"، در ابتدا مطالبی درباره‌ی شعر جاهلی و روایت آن آمده است.

در ادامه نیز در مورد شناخت منابع شعر عربی و شکل و محتوای آن، ارزش شعر جاهلی، جایگاه شعر و شاعر در دوره جاهلی و ... سخن به میان آمده است.

فصل دوم: از آنجا که دو واژه‌ی "مرگ" و "زندگی" از اصطلاحات و تعبیرات عرفانی به شمار می‌آیند، در این فصل

، تعریفی از مرگ و زندگی از دیدگاه عرفاء و متصوفین آورده شده است.

فصل سوم: در این فصل، مفهوم مرگ و زندگی در شعر جاهلی مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل چهارم: در این فصل که فصل اصلی و پایانی این رساله به شمار می‌رود، به بررسی و شرح مختصر ابیات مربوط به مرگ و زندگی پرداخته شده است.

لازم به ذکر است از آن جا که دامنه‌ی شعر دوره‌ی جاهلی بسیار گسترده می‌باشد، در این رساله سه اثر از منابعی را که در فصل اول به عنوان منابع شناخت شعر جاهلی معرفی گردید، انتخاب نمودم که عبارتند از: دیوان‌های اصحاب معلقات، کتاب مفضلیات و أصمعیات.

نحوه پژوهش در این بخش بدین صورت است که ابتدا ابیات مربوط به مرگ و زندگی استخراج و همراه با اعراب دقیق آنها آورده شده و ذیل هر بیت، معانی واژه‌های دشوار و ترجمه آن و در صورت لزوم شرحی مختصر آمده است.

ابیات شعری در این فصل، به سه بخش تقسیم شده است. در بخش اول، اشعار موجود در دیوان‌های دهگانه اصحاب معلقات آمده است. ترتیب آنها به این صورت می‌باشد که هفت نفر اول به ترتیب کتاب "شرح معلقات زوزنی" (امرؤ القیس، طرفه بن العبد، زهیر بن أبی سلمی، لبید بن ربیع، عمرو بن کلثوم، عنتره بن شداد، حارث بن حلزه) و سه نفر پایانی طبق کتاب "شرح القصائد العشر" خطیب تبریزی (أعشى الأکبر، نابغه ذبیانی، عبید بن الأبرص) آمده است. در این بخش سعی شده است اشعار شاعران در دو بخش با موضوع مرگ و دیگری زندگی، طبقه بندی شود. در پایان بررسی هر دیوان، دیدگاه و اعتقاد هر شاعر درباره‌ی مرگ و زندگی به صورت مختصر و به منظور نتیجه گیری ذکر گشته است.

در بخش دوم و سوم، اشعار مربوطه در کتاب "مفضلیات" و "أصمعیات" به ترتیب الفبایی قافیه‌های شعری آمده است. و با نتیجه‌ای کلی درباره‌ی مرگ و زندگی از این منابع، این دو بخش به پایان رسیده است.

لازم به توضیح است که مطالبی کوتاه در مورد زندگینامه هر یک از شاعران، پیش از آوردن ابیات شعری آنها، ذکر گردیده است.

در بخش پایانی رساله، یک نتیجه گیری کلی از مطالب آمده؛ سپس خلاصه‌ای از مطالب به زبان عربی و پس از آن نیز چکیده‌ی انگلیسی آورده شده است.

کتابنامه‌ی رساله در دو بخش فارسی و عربی آمده است.

امید است این رساله، مورد توجه و استقبال کلیه دانشجویان و پژوهندگان رشته زبان و ادبیات عربی و فارسی و همچنین تمامی علاقه‌مندان به پژوهش در این زمینه قرار گیرد و راه را برای آنها هموار سازد.

ومن الله التوفيق

فهیمه سیفی

اسفند ماه 1390

1.1. شعر جاهلی

«شعر جاهلی در بادیه‌های نجد و حجاز و سرزمین‌های پیوسته به آنها در شمال جزیره العرب پدید آمد و رشد کرد. بادیه چونان مدرسه‌ای بود که شاعران جاهلی در آن پرورش می‌یافتند از این شاعران پاره‌ای چون امرؤ القیس الکندی و حاتم الطائی یعنی زادگانی بودند که در شمال رحل اقامت افکنده بودند، و برخی چون مهلهل و طرفه واعشی (از ربیع) و نابغه و زهیر و لبید (از مضر) از عرب‌های عدنانی بودند و به همان سرزمین تعلق داشتند. بادیه همواره مهبط وحی شعر بود، احساس را رقیق و دل را صفا می‌بخشید، و شعر را در آن مقامی رفیع بود و تأثیری بسزا داشت. شعر ترجمان احساسات افراد و زبان قبیله و طومار اخبار و سرگذشت‌های آن بود. اما کشور حیره و غسان اگرچه به امور سیاسی و بسط نفوذ خویش همت گماشته، دروازه‌های خود را بر روی فرهنگ‌ها و تمدن‌های بیگانه چون فرهنگ و تمدن رومی و ایرانی و غیره گشوده بودند شاعران را نیز ارج می‌نهادند و برای گردآوردن آنها در دربارهای خویش می‌کوشیدند ولی به طور کلی چنان محیط‌هایی نبودند که الهام و خیال را در آنها مجال رشد و نمو باشد.

وحی و الهام شعری در نزد مردم عرب قدیم مقامی ارجمند داشت. آنها معتقد بودند که هر شاعری را شیطانی است که شعرش را به او وحی می‌کند. از این رو شاعر را در اجتماع منزلتی رفیع بود به قول نولدکه: شاعر، پیامبر قبیله و پیشوای آن در زمان صلح و قهرمان آن در زمان جنگ بود. به هنگام جستجو از چراگاه‌ها با او رای می‌زدند و تنها به فرمان او خیمه‌ها را بر پا می‌کردند یا کوچ می‌نمودند، و او بود که خیل تشنگان را در یافتن آب مدد می‌کرد ... بنابراین مقام شاعر برتر از خطیب بود و تأثیرش بیشتر از او. زیرا شعر بیشتر از نثر در خاطره‌ها جای می‌گزیند و روایت آن، زبان را آسان‌تر است. قدرت شاعر گاه از رئیس قبیله هم فراتر می‌رفت. قبیله در پرتو الهام شاعر راه صواب می‌یافت و در مشکلات امور قضائی یا معضلات دیگر اجتماعی دست به دامن شاعر می‌زد. سخنش بالاتر از هر سخنی بود و حکمش از حکم شرع نافذتر بود. گاه شاعر با یک بیت بر شأن و مرتبه‌ی قبیله‌ای می‌افزود یا از آن می‌کاست.

هر قبیله می‌کوشید حتی پیش از داشتن پیشوا و خطیب، شاعری داشته باشد و چون در قبیله شاعری پدید می‌آمد جشن‌ها می‌گرفتند و مهمانی‌ها می‌دادند و قبایل دیگر به دیدارشان می‌آمدند تا وجود کسی را که به زودی قبیله را با شعر خویش راه خواهد نمود و از حیثیت و شرف آن به دفاع برخواید خواست و آثار خیرش را جاویدانی خواهد بخشید و به نشر افکار خواهد پرداخت و بشارت صلح خواهد داد و به جنگ فرا خواهد خواند و مثالب و فضایح خصم را افشاء خواهد کرد و مفاخر قوم خود را در نغمه‌های خویش خواهد سرود و روح حماسه را در قوم بیدار خواهد ساخت، تهنیت گویند. ملوک و امرا از این شأن و نفوذ شاعران سود می‌جستند و آنها را به دربارهای خویش فرا خوانده و به صلوات می‌نواختند. هر شاعری را راوی‌ای بود که همواره چون شاگرد در کنار معلمش می‌زیست. سبک او را تتبع می‌نمود و شعرش را نشر می‌-

شعر جاهلی

داد. بسیاری از شاعران نام‌آور عرب دورانی را به ملازمت شاعران دیگر گذرانیده‌اند، مثلاً امرؤ القیس راوی ابودؤاد ایادی بود و زهیر راوی اوس بن حجر و اعشی راوی مسیب بن علس.

موضوعات شعر جاهلی مولود زندگی شاعر و احوال طبیعی و اجتماعی او بود. مشهورترین این موضوعات، وصف، مدح، رثاء، هجاء، فخر، غزل، خمر، زهد و حکمت بود.»

(الفاخوری، 1361: ص 40-41)

2.1. روایت شعر عربی

در کنار «منتخبات» (جُنگ های شعر) که همانا مجموعه‌های تخصصی ادبی و شامل اشعار منسوب به عصر جاهلی باشد، تعداد بی‌شماری تألیفات ادبی یا تاریخی منثور می‌شناسیم که به روایات یا گزیده‌های مفصل شعری آکنده‌اند و این گزیده‌ها نمونه‌های شعر کهن تلقی می‌شوند. این «منتخبات» به زمان‌های مختلفی تعلق دارند که از قرن سوم هجری / نهم میلادی تا یازدهم هجری / هفدهم میلادی کشیده می‌شود. کهن‌ترین این آثار، سه قرن متأخرتر از اصل اسنادی است که نویسندگان مدعی‌اند پس از اخذ از طریق نقل شفاهی، روایت می‌کنند.

«در حقیقت شعر کهن تازی تنها توسط نوعی وجدان عام جذب نشده است؛ بلکه شخصیت-هایی کاملاً مشخص عملاً در تاریخ آن دخالت داشته‌اند. این شخصیت‌ها را «رواة» (جمع راوی) می‌خوانند و ایشان مردانی بودند که تخصصشان، شنیدن و حفظ اشعار شاعران یا اشعار شاعری خاص بود... یکی از مشهورترین این راویان، یعنی حماد راویه که سخت معروف است - اثر حرفه‌ای او حتی در نامش باقی مانده - به خود می‌بالد که قادر است به ازای هر یک از حروف الفبا، صد قصیده با قافیه‌ای یکسان برخواند.

طبیعتاً صحت اشعار با این روش نقل، در معرض خطرات عمده‌ای قرار می‌گیرد. حکایاتی که مورخان مسلمان درباره‌ی خصائص اخلاقی و زندگی این راویان نقل کرده‌اند، خود پیشاپیش ما را دچار تردید می‌کند. زیرا حتی صادق‌ترین ایشان، از جمله اصمعی (قرن دوم هجری) نیز دچار لغزش شده‌اند.

با وجود این، راویان علاقه داشتند که از سرچشمه‌های واقعی سیراب شوند، از این رو، در پی جستجوی شعر کهن نزد بدویان می‌شتافتند. زیرا بدویان آثار شاعران کهن را از حفظ داشتند، و روایات سخت تشنه‌ی آن بودند. بدویان، ناگهان دریافتند متاعی بسیار مورد تقاضا و فراوان در اختیار دارند. ایشان حتی بیابان‌ها و گله‌های خود را ترک گفتند و به مراکز شهری روی آوردند تا متاع خود را عرضه کنند.

علاوه بر آن، قرن‌های اول اسلامی، قرن‌های مبارزه بود و استقرار، چه در زندگی سیاسی و داخلی و چه در برخوردهای خارجی و اصطکاک و رقابت‌ها میان نژادهای مختلف و تمدن‌ها و زبان‌ها و اندیشه‌ها.

شعر جاهلی

قبائل عرب، هر يك خود را از قبائل ديگر برتر مي دانستند و در پي آن بودند كه به هر ترتيب شده، از طريق اشعار كهني كه افتخارات نيكان نامدار يا شاهكارهاي درخشان آنان را برشمارده، آن برتري را به ثبوت رسانند. رقابت هاي ميان قبائل، در شكل رقابت هاي نژادي (شعوبيه) گسترش يافت. ملت هاي مغلوب اشعاري كهني يافتند كه عرب ها را فرو مي كوفت و فارسايان را بزرگ مي داشت. عرب ها نيز به نوبه ي خود اشعاري در جهت مخالف يافتند. جهودان و مسيحيان نيز در اين احوال نه از ميان رفتند و نه سلاح فرو نهادند. ايشان هم شاعراني و افتخاراتي عربي از براي خود داشتند؛ اما مسلمانان مي كوشيدند، حتي بوسيله ي اشعار جاهلي، اشتباهات مذهبي آنان را به ثبوت رسانند.

در درون اسلام هم مكتب ها و مذهب ها، نه تنها با شمشير و حربه ي تكفير به مبارزه با يكديگر پرداختند، بلكه در پي آن بودند كه نزد شاعران جاهل و متوحش عصر «جاهليت» نيز تكيه گاه هايي از براي عقايد خود بيايند...

همچنين به قطع مي توانيم گفت كه در اين جو، دروغ ها و جعليات جسورانه اي به وجود آمد. در همين روزگار بود كه انبوه شگفتي «حديث» يا سخنان منسوب به حضرت پيغمبر (ص) ساختند كه بر جهات مختلف ناظر بود: گاه در زمينه ي رقابت هاي نژادي بود، گاه در زمينه ي سياست و حسادت هاي مكاتب زبان شناسي و يا ديني.» (عبدالجليل، 1363: ص 31-34)

3.1. منابع شناخت شعر جاهلي

« آنچه از ادبيات جاهلي به ما رسيده به وسيله ي راويان بوده، و راوي كسي است كه مانند شاگرد همواره ملازم يكي از شعرا و ادبا بوده و آثار نثري يا شعري وي را ضبط و حفظ و براي مردم نقل و بازگو کرده است. جمعي از قريش به روايت اشعار و شناسايي انساب مشهور بوده اند. مانند: مخرمه بن نوفل - حويطب بن عبدالعزيز و غيره. با ظهور اسلام نيز جماعتي از رجال علم به روايت شعر پرداختند مثل: حماد راويه متوفاي (155هـ)، خلف احمر (180هـ)، ابي عمرو اسحق پسر مراد شيباني (206هـ)، اصمعي عبدالملك پسر قريب (213هـ)، ابوسعيد حسن سكري (275هـ)، ابوبكر محمد پسر قاسم انباري (328هـ).

دانشمندان و مخصوصاً علمای لغت به گردآوری شعر کهن اهتمامی زیاد کردند، زیرا شعر کهن ترین وثیقه ی زبان عربی و بهترین مصدر و مایه برای فهم کلمات غریب و نامأنوس و دائرة المعارف اخبار و احوال عرب است، و زبان شعر زبان قومی بوده که لغتشان فاسد نگشته بود.

این دانشمندان از آغاز قرن دوم هجری دست به کار تدوین ادب قدیم و نوشتن تعلیقات بر آن شدند و در کتب خویش به آن استشهاد می نمودند. » (ترجانی زاده، 1348: ص 25)

شعر جاهلی

مشهورترین مجموعه‌هایی که ادبیات عرب و به خصوص شعر را حفظ کرده، این چند مجموعه است:

1.3.1. اولین مجموعه، «معلقات»:

«قدیمی‌ترین مجموعه‌ی قصیده‌های کامل توسط حماد راویه انتخاب شده است و مطابق الگوی عنوان-های کتاب‌های دیگر، آن را «السموط» یا «المعلقات» نامید؛ یعنی آن‌هایی که به سبب ارزشمند بودن، مقامی رفیع یافته‌اند. از معنای واژه‌ی معلقات، چنان‌که نولدکه تشخیص داد، این روایت به وجود آمد که این شعرها را در همان روزگار بت‌پرستی [جاهلی] همچون الگو و سرمشق می‌شناختند و به همین اعتبار، بر کعبه آویخته بودند. در حقیقت این مجموعه از حماد راویه است. روایت‌ها در این باره اتفاق نظر ندارند که چه شعرهایی جزء معلقات به شمار می‌آیند. پنج شعر را همگان در شمار معلقات می‌دانند: شعرهای امرؤ القیس، طرفه، زهیر، لبید، عمرو بن کلثوم. معمولاً در بیش‌تر روایت‌ها، ششمین و هفتمین جای به عنتره و حارث بن حلزه داده شده است؛ در حالی که مفضل به جای اینان، نابغه و اعشی را می‌نشانند. اینان شاعرانی هستند که مفضل به جای اینان، نابغه و اعشی را می‌نشانند. اینان شاعرانی هستند که به هر حال به عنوان مشهورترین شاعران عصر جاهلی اعتبار دارند. تنها استثناء در این‌جا حارث بن حلزه است. نولدکه سبب این را که چرا حماد او را در این مجموعه جای داده، شناخته است. حماد، مولای قبیله‌ی بکرین وائل بود. این قبیله از دوران جاهلی در خصومت دائم با قبیله‌ی تغلب به سر می‌برد. شعر عمرو بن کلثوم به تمجید و ستایش این قبیله اختصاص یافته بود و به سبب گسترش وسیع تغلب از شهری والا برخوردار گشت. چون حماد نمی‌توانست این شعر را نادیده بگیرد، می‌بایست بیندیشد که شعری دیگر را در کنار آن قرار دهد که به تمجید و ستایش از سروران او، یعنی قبیله‌ی بکرین وائل، پردازد. از این‌رو، شعر هم‌قبیله‌ای خود حارث را برگزید که شهرت چندانی نداشت. پسینیان که چنین نفعی نداشتند، شاعر مشهورتری را جایگزین او ساختند. از این گذشته، برخی معلقات را شامل نه قصیده می‌دانند و شعرهایی را که مفضل برگزیده است، بر انتخاب حماد می‌افزایند. و مجموعه‌ای که تبریزی شرح کرده است، با افزودن قصیده‌ای از عبید بن ابرص، شمار معلقات را به ده می‌رساند. «(بروکلن، 1379: ص 111-112)

2.3.1. دومین مجموعه، «مفضلیات»:

«المفضل بن محمد بن یعلی الضبی (درگذ. 780/164 و به قولی 784/168 یا 786/170) که معاصر حماد بود، در برابر مجموعه‌ی کوچک اما گزیده‌ی او، منتخب غنی‌تری عرضه کرد. او از نجیب‌زادگان عرب بود که به هواخواهی علویان به سرکردگی ابراهیم بن علی بن الحسن برخاست. اما پس از شکست ابراهیم از سوی خلیفه منصور بخشوده شد و مأمور تربیت فرزند او، مهدی که بعد به خلافت رسید، گردید. مفضل برای این خلیفه 126 یا 128 قصیده، در آن میان نیز چند قطعه‌ی کوتاه، از 67 شاعر برگزید. بیش‌تر این شاعران، یعنی 47 تن از آنان، به دوران پیش از اسلام تعلق دارند. در بین آنان دو شاعر قدیم و مشهور، مرقش اکبر و مرقش اصغر، و همچنین دو شاعر نصرانی، جابر بن حنی (ش42) و عبدالمسیح (ش)

شعر جاهلی

72، 73، 84) را می‌یابیم. از این میان 14 تن شاعران مخضرم هستند، یعنی کسانی که کافر به دنیا آمده و اسلام را به جان آزموده‌اند و فقط 6 تن کاملاً به دوران اسلامی تعلق دارند. این مجموعه بنا بر ابن ندیم، فهرست 68، از ابن عربی روایت شده که 128 قطعه شعر را برشمرده است و ابو محمد القاسم بن محمد الانباری از آن میان دو قطعه را حذف کرده است. این مجموعه در آغاز کتاب **الاختیارات** نامیده می‌شد، اما بعد از آن به اسم گردآورنده‌اش **المفضلیات** نامیدند.» (بروکلن: ص 117-118)

3.3.1. سومین مجموعه، "أصمعیات" :

«مجموعه‌ی سوم از منتخبات عمومی، **أصمعیات** نام گرفته که به سال 1902 آلود در برلین نسخه‌ی مغلوپی از آن را منتشر کرد تا عبدالسلام هارون و احمد شاکر بر اساس نسخه‌ی شنقیطی که از يك اصل کهنه رونویسی شده بود چاپ علمی مرغوبی از آن عرضه داشتند. تعداد قصاید و قطعات اصمعیات به نود و دو می‌رسد و شامل هفتاد و یک گوینده است من جمله چهل شاعر جاهلی شروع از امرء القیس، سپس حارث بن عباد و درید بن صمه و ابودؤاد ایادی و ذوالاصبع عدوانی و سلامه بن جندل و طرفه و عروة بن ورد و قیس بن خطیم. در آن میان دو شاعر یهودی هست: شعبه بن قریض و سموأل. این مجموعه نیز سندیت و مقام والای قبلی را دارد و شامل بسیاری کلمات متروک است که در فرهنگ‌ها نیامده. اما **اصمعیات** موقعیت **مفضلیات** را نیافته و شارحان بدان نپرداخته‌اند؛ شاید از آن جهت که واژگان غریب آن نسبت به **مفضلیات** کمتر است، دیگر اینکه اصمعی بسیاری از قصاید را کامل روایت نکرده بلکه به گزینشی اکتفا کرده است.» (ضیف، 1364: ص 194)

4.3.1. چهارمین مجموعه، "جمهرة اشعار العرب" :

حدود پایان قرن سوم هجری احتمالاً مجموعه‌ی چهارمی به وجود آمده است به نام **جمهرة اشعار العرب**. این کتاب مجموعه‌ای است هفت بخشی. علاوه بر معلقات سبع، شش هفت بخشی دیگر را آورده است که صرف نظر از عنوان پنجمین بخش، "مراثی"، بخش‌های دیگر دارای عنوان‌هایی زینتی‌اند که به دلخواه گردآورنده گزیده شده‌اند: **جمهرات**، **منتقیات**، **مذهبات**، **مشوبات**، **ملحمات**. در حالی که آخرین بخش فقط شامل شاعران عصر اموی می‌شود، در بخش‌های دیگر غلبه با شاعران دوره‌ی جاهلیت است. کتاب با پیشگفتار تقریباً بی‌ارزشی راجع به استعارات و اختلاف دانشمندان بر سر ارزشیابی برخی از شاعران مشهور آغاز شده است. گردآورنده خود را ابوزید القرشی می‌نامد و راوی او، مفضل احتمالاً در طبقه‌ی ششم از سلاله‌ی خلیفه عمر بوده است؛ بنابراین پیرامون نیمه‌ی قرن سوم هجری می‌زیسته است. درباره‌ی این دو نفر، ابوزید و مفضل، در منابع دیگر اطلاعی دیگر به دست نمی‌آوریم، و به نظر می‌رسد که نام آنان بر اساس نام‌های ابوزید انصاری، نحوی مشهور، و معلم او، مفضل بازسازی شده باشد. اما از آنجا که ابن رشیق (390-390-

شعر جاهلی

1064-1000/456) این اثر را می‌شناسد، بنابراین احتمال دارد که این اثر در تلاقی قرن‌های سوم و چهارم هجری تألیف شده باشد. (بروکلن: ص 120)

علاوه بر این چهار منبع مهم، منابع دیگری وجود دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

«مختارات ابن الشجری متوفی 542 هجری در ضعف سند و روایت شبیه کتاب قبلی است و شامل برگزیده‌ای از اشعار جاهلی و اسلامی می‌شود، در سه بخش، مهمترین شاعران بخش اول شنفری و طرفه و لقیط ایادی و متلمس است. بخش دوم منتخباتی است از دیوان زهیر و بشر بن ابی خازم و عبید بن الابرص، و بخش سوم برگزیده دیوان حطیئه است. این مجموعه در قاهره چاپ شده است.

و در زمهری همین منتخبات اند «حماسه»ها، که بیشتر ارزش ادبی دارند تا تحقیقی و تاریخی؛ چرا که به مأخذ اشاره نشده است. مشهورترین این‌ها حماسه ابی تمام (متوفی 231 ه) است که چند شرح بر آن نوشته‌اند، از آن جمله شرح مرزوقی و شرح تبریزی چاپ شده. شرح تبریزی پر است از اشارات تاریخی. مرزوقی تصریح می‌کند که ابوقام در اشعاری که نقل می‌کرد، اصلاح و اعمال نظر می‌نموده است: «ملاحظه می‌کنی که ابوقام به بیت نغزی رسیده و در آن واژه‌ای را نپسندیده، طبق نظر خودش نقیصه را جبران کرده و به جای آن کلمه‌ای هم ارج نهاده. هرکس به دیوان شعرا مراجعه و مقابله کند کلماتی را که ابوقام عوض کرده به وضوح تشخیص می‌دهد.» مجموعه ابوقام به ده باب تقسیم می‌شود، مفصل‌ترینش «باب الحماسة» است که همین نام را بر کتاب نهاده. حماسه مجموعه قطعاتی است از شاعران جاهلی و اسلامی و عباسی؛ و کمتر قصیده‌ای تماماً در آن نقل شده است. درجه‌ی بعدی اهمیت از آن «حماسه» بختی (متوفی 284 ه) است؛ مجموعه‌ای از قطعات کوتاه در یکصد و چهل و هفت باب، و بیشتر در مضامین اخلاقی، و قدما به شرح آن نپرداخته‌اند. ابن الشجری مؤلف دیوان مختارات شعراء العرب نیز «حماسه»ای دارد که در حیدرآباد به چاپ رسیده و اکثراً از شعرای جاهلی است. دیگر حماسه الخالدین یا الاشباه و النظائر تألیف دو برادر شاعر: سعید خالدی (متوفی 350 ه) و محمد خالدی (متوفی 380 ه)، است که اخیراً به چاپ رسید. دیگر الحماسة البصرية تألیف ابوالفرج بصری متوفی در قرن هفتم هجری، که هنوز طبع نشده و دو نسخه خطی از آن در دارالکتب المصریه موجود است. » (ضیف: ص 195-196)

اکنون منتخبات عمومی را کنار گذاشته به دیوان‌های مستقل می‌رسیم.

«نخست دواوین الشعراء الستة (امرء القیس، نابغه، زهیر، طرفه، عنتره و علقمه) است که آلود منتشر نمود. وی به روایت اصمعی طبق شرح شنتمری اکتفا نکرده اضافاتی که غالباً ساختگی است بر آن افزود...

از دیوان امرء القیس چاپ‌های مختلف صورت گرفته، و شاید مهم‌تر از همه نشر دارالمعارف مصر به اهتمام ابوالفضل ابراهیم باشد که روایات مختلف را گردآورده و دقیقاً مقایسه و مقابله نموده است. دیوان زهیر به شرح ثعلب را هم دارالکتب المصریه چاپ کرده لیکن بین این روایت کوفی با روایت بصری اصمعی بر اساس